



۲۰۱۳/۱۱/۳۰



م، نعیم بارز

## آنچه کرزی از امریکا میخواهد حق مسلم مردم افغانستان است!

طبیعتاً اصول جهان بر پایه زور بنا یافته است، هرکس و هر طرف که قدرتش بیشتر بوده امتیازش نیز مشخص بوده است. برای اثبات این ادعا اگر از مقایسه پیمان ها و فیصله نامه های میان دول قدرتمند و ضعیف بگذریم و تنها به یک مثال از فیصله یا منشور سازمان ملل متحد اکتفا کنیم، درمی یابیم که چرا صرف پنج قدرت بزرگ و دارای سلاح اتمی از حق «ویتو» برخوردار اند؛ یعنی هرگاه اکثراً از نمایندگان دول عضو سازمان ملل متحد درکدام موردی به فیصله ای برسند ولی یکی از میان آن پنج قدرت در آن منافع خود را نبیند حق رد کردن فیصله اکثریت را دارد.

در اینجا موضوع بحث پیمان «امنیتی – دفاعی» میان افغانستان و ایالات متحده امریکا است که خارج از معادلات قدرت و از روش معمول در سطح جهان استثنا قرار گرفته نمی تواند، بادرک این مساله است که رئیس جمهور کرزی هرچه در صلاحیت خود می بیند، می خواهد در چانه زنی با امریکا حد اکثر استفاده را به نفع مردم و کشورش بدست آورد.

آقای کرزی در آغاز برای ترتیب و تدوین یک پیمان خوب دو شخصیت آگاه سیاسی و صادق کشور دوکتور رنگین دادفر سپینتا و دوکتور اشرف غنی احمد زی را تعیین نمود تا به اساس مذاکره و مفاهمه با هیئت امریکا پس از حصول توافق سند مذکور به توافق و امضا رهبران هر دو دولت برسد. سر انجام پس از یکسال و چند ماه به غیر از دو مورد روی بقیه موارد توافق حاصل گردید و سند به رئیس جمهور سپرده شد که می بایست بعد از تصویب ولسی جرگه به امضای روسای جمهور دو کشور میرسید اما چون آقای کرزی میدانست که دولت ایران و پاکستان به ایجاد پایگاه نظامی امریکا در افغانستان مخالف اند و شاید دریافته خواهد بود که بخشی از نمایندگان ولسی جرگه از جانب حکومت ایران تطمیع شده اند بناءً تصویب سند «امنیتی – دفاعی» را از سوی نمایندگان ولسی جرگه به دیده شک و تردید می نگریدیم به این لحاظ لویه جرگه را دایر نموده و مشوره مثبت آنرا بدست آورد و بدینتر تیب تقریباً ولسی جرگه و همه مخالفین پیمان را در مقابل یک امر انجام یافته قرار داد.

زمانیکه رئیس جمهور کرزی از یک موضع نسبتاً محکم در برابر خواست امریکائی ها قرار گرفته و خوب میدانند که امریکا بدون بدست آوردن پایگاه نظامی در افغانستان به هیچ وجه حاضر به ترک افغانستان نیست و سوی دیگر از تجاب گذشته دریافته که دولت امریکا چندان به قول و قرار خود ایستاده نیست بناءً برغم مخالفت های بخشی از افغان ها در مجلس اختتامیه لویه جرگه، سخنرانی مفصلی کرده در آخر متذکر شد که با آنکه پذیرفتن خواست امریکا مبنی بر پایگاه نظامی در خاک افغانستان برای ما افغان ها بسیار سخت است و کاش در چنین وضع قرار نمیداشتیم ولی دروضعیتی که هستیم به حمایت دولت امریکا نیاز داریم و حاضریم این سند را امضا نمایم اما به دو شرط اساسی:

۱ – چون در گذشته به امور انتخابات ریاست جمهوری افغانستان خارجی ها مداخله نموده اند اما بعد از این توقع داریم در انتخاباتیکه در سال ۲۰۱۴ پیش رو است نباید مداخله کنند ودر مورد باید بما تضمین و اطمینان دهند و تا آنوقت من این سند را امضا نخواهم کرد.

از یک چنان سخنان آقای کرزی بخوبی معلوم می شود که وی به قول و قرار امریکائی ها چندان اعتماد ندارد و چون از سیاست های پشت پرده امریکا ئی ها بهتر از هر افغان دیگر درک و شناخت دارد و شاید هفت، هشت سال قبل امریکا تقاضای پایگاه را از کرزی نموده باشد و ممکن در آن سال ها کرزی نپذیرفته باشد و احتمالاً به همین خاطر و بسی مسایل دیگر روابط امریکا با کرزی روز تا روز روبه تیرگی و سردی گرانیده و ممکن امریکائی ها در انتخابات ریاست جمهوری گذشته نمی خواسته اند بار دیگر آقای کرزی بر ریاست جمهوری برسد، چنانکه در آنوقت علایم فراوانی نشان میداد که دولت های غربی بخصوص امریکا و فرانسه جانب داکتر عبدالله عبدالله را داشتند و در اثر چنان اختلافات بود که قلب ها و جار و جنجال های فراوان روی داد و بی دلیل نیست که حالا کرزی اسرار دارد که امریکائی ها نباید در انتخاباتیکه پیش رو است دخالت نمایند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې دليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

اگر جناب کرزی مدارک کافی مبنی بر دخالت امریکائی ها در انتخابات گذشته در اختیار نداشته باشد پس چگونه به صراحت از دخالت سخن می گوید و می خواهد که در انتخابات سال ۲۰۱۴ دخالت نکنند، اگر واقعاً مدرکی در دست کرزی وجود نداشته باشد چرا امریکائی ها اظهارات وی را قاطعانه رد نمی کنند؟

از لحظه که رئیس جمهور کرزی گفت سند «امنیتی - دفاعی» بعد از انتخابات ریاست جمهوری به امضا خواهد رسید، بعضی افراد مثل حضرت سبغت الله مجددی چنان برافروخته و قهر علیه کرزی سخن گفتند و می نویسند که به زعم ایشان مثلیکه آقای کرزی نه از سیاست چیزی میداند و نه جامعه خود و جهان را می شناسد و به زعم آنها حتی خیر و منفعت خود را هم نمیداند و به باور آنها کرزی با چنان بازی سیاسی همه گنج ها و هستی شان را از بین می برد.

۲ - کرزی گفت: از همین حالا دیگر نباید عساکر امریکائی بخانه های مردم افغانستان داخل شوند، این اظهار کرزی برای بعضی ها خوشایند نبود در حالیکه موضوع کاملاً بجا و برحق است، زیرا متأسفانه کار نیروهای امریکائی در سال های مستقر بودن شان در افغانستان بیشتر از هر چیز این بوده که کور کورانه روستا های افغانستان را بمباردمان کرده و شب و روز به خانه های مردم داخل شده وزن و مرد و طفل بی گنای افغان را به قتل رسانده اند. فقط گهگاهی توسط طیاره های بدون پیلوت بعضی سران و افراد گروه های تروریستی را که دولت پاکستان به از بین بردن شان موافق بوده کشته اند؛ مگر به این ترتیب نه تنها تروریزم در منطقه شکست نخورده بلکه رشد بیشتر نیز نموده است.

در مورد شخصیت کرزی: باید گفت اگر یک تعداد گروه های قومی و سیاسی بخاطر رقابت چه سالم و یا ناسلم علیه وی اعتراض و انتقاد میکنند می شود برای شان حق قایل شد ولی هستند یک تعداد دیگر که به لحاظ دور ماندن از قدرت و یا تعدادی هم در اثر عدم آگاهی تحت تاثیر تبلیغات اعتراض، انتقاد و داوری ناشایسته می نمایند. اقل این را در نظر گیرند که وی نه تنها دارای تحصیلات عالی و تجارب کافی بوده است بلکه در زمان تجاوز دولت شوروی در افغانستان خود و پدرش در مبارزه علیه تجاوز برای استقلال کشور نقش فعال و عملی داشتند و پدرش در آن راه به شهادت رسید، کرزی بصورت مستقیم یا غیر مستقیم با امریکائی ها تماس داشت و می کوشید هرچه بیشتر توجه دولت امریکا را در دفاع از مقاومت افغانها جلب نماید.

کرزی در زمانیکه معاون ریاست شرکت یونیکال بود نیز با امریکائی ها کار کرده و تجربه اندوخته. و بالاخره از مدت دوازده سال بدینسو بحیث رئیس دولت افغانستان با مشاورین و دولت مردان امریکا در تماس تنگاتنگ کاری در زمینه های اقتصادی، سیاسی، نظامی امنیتی قرار داشته و بارها امریکائی ها و دولت امریکا را در موارد مختلف آزموده و شناخت حاصل کرده، بنابراین بی تردید می توان گفت بیشتر از هر افغان دیگر از امریکائی ها و سیاست های دولت آن کشور شناخت همه جانبه و کافی در سر دارد.

آقای کرزی از همان آغاز باز سازی افغانستان تاکنون همواره به دولت امریکا گفته است که انجوها با زد و بند با افغان های صاحب نفوذ در دولت از مدرک قرار داد ها و پول های پرداخته شده برای بازسازی افغانستان سوء استفاده شخصی و حیف و میل میکنند و می باید جلو شان گرفته شود اما امریکائی ها که خود در سوء استفاده جوئی های شخصی بیشتر ذینفع بوده اند اعتنائی به سخنان او مبذول نفرمودند لذا سرانجام تمام تار و پود دولت و کشور را فساد فرا گرفت.

در مورد تعیین والی ها در افغانستان امریکائی ها دخالت کرده، حتی مستقیماً برای شان بودجه و پول پرداخته اند و تا هنوز هم بعضی والی ها چون عطا محمد نور والی بلخ یا بقول مردم «پادشاه بلخ» در تحت حمایت امریکا اصلاً کوچکترین اعتنائی به مرکز و اطاعت از امر کرزی ندارند.

در قسمت عملیات تروریستی در افغانستان و علیه منافع امریکا با آنکه مردم جهان و دولت ایالات متحده امریکا از سال ها قبل کاملاً تر و شفاف تر میدانسته که ریشه تروریزم در منطقه از کجا آب میخورد، محل تربیت و تجهیز آنها در کجاست و حامی اصلی شان کدام قدرت است که فعالیت های تروریستی را با اهدافی خاصی علیه دولت افغانستان و نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان دنبال می نماید ولی تا کنون بر اساس سیاست ها و برنامه های مخفی یا در عقب پرده مشخص نشده است که چرا فشار لازم را بر دولت پاکستان که حامی اصلی تروریزم در منطقه است وارد نیاورده است، این مسایل را چه تعبیر کرد آیا امریکا در مبارزه با چین، هند، روسیه و ایران می خواهد پاکستان را با خود داشته باشد و در رقابت با آنها می خواهد نه پایگاه نظامی در افغانستان داشته باشد که از بهترین

موقعیت ستراتیژیک برخوردار است و یا همانطوریکه ظاهراً وانمود می سازند بخاطر مبارزه با تروریسم و در دفاع از افغانستان است؟

واضحست که بخاطر اهداف ستراتیژیک خود در منطقه و در سطح جهان می خواهد پایگاه های در افغانستان هم در اختیار داشته باشد.

مساله دیگر که کرزی در مجلس لویه جرگه گفت از همین حالا نباید عساکر امریکائی بخانه های مردم افغانستان داخل شوند، میدانیم که موضوع کاملاً بجا و برحق است زیرا متأسفانه در طول دوازده سال کار نیروهای امریکائی بیشتر از هرچیز این بوده که کور کورانه روستا های افغانستان را بمباردمان کرده و شب و روز به خانه های مردم داخل شده و زن و مرد و طفل بی گنای افغان را به قتل رسانده اند.

فقط گهگاهی توسط طیاره های بدون پیلوت بعضی افراد و سران گروه های تروریستی را که دولت پاکستان به از بین بردن شان موافق بوده کشته اند، مگر به این ترتیب همه میدانند که نه تنها تروریسم در منطقه شکست نخورده بلکه رشد بیشتر نیز یافته است. با این وضع باید پرسید: آیا در مدت دوازده سال و درمقابل نابودی هزاران انسان بیگناه و دوسه هزار عساکر امریکائی و مصارف صدها میلیارد دالر به آن اهداف اساسی که در آغاز لشکرکشی به افغانستان مطرح شده بود یعنی از بین بردن فعالیت های وریستی، در منطقه، تامین صلح و بازسازی کشور و ایجاد نهاد های دولت افغانستان که بتواند در برابر حملات جنایتبار تروریسم و تجاوز دولت های متخاصم منطقه با اتکا به نیروی خود به دفاع از خود قادر گردد، رسیده اند؟

روشن است که جواب منفی است و مردم آگاه امریکا بخوبی میدانند. واینرا نیز دریافته خواهند بود که پس از دوازده سال اکنون هنوز فعالیت های تروریستی دوام دارد، مدارس و پایگاه های تروریسم پرور در پاکستان کماکان بحال خود باقیست و با اینحال باج خواهی دولت پاکستان از دولت امریکا بدون کدام اقدام موثر زیادتیر شده است. پس آیا مدت دوازده سال ادامه جنگ و سر انجام شکست نیروهای بین المللی در رأس امریکا یک امر طبیعی و از سر ناچاری بوده که می باید به ناکامی می انجامید؟

به برداشت من در این عدم موفقیت مهمترین مساله نبود اراده قاطع در دولت امریکا مطرح بوده است که هیچگاه نخواست از فشار لازم علیه حامی اصلی تروریسم در منطقه یعنی دولت پاکستان استفاده نماید که این خود بسیار سوال برانگیز است زیرا هرگاه طوریکه در شب، نخستین روز عملیات تروریستی سازمان القاعده در نیویارک، جورج بوش رئیس جمهور آنوقت امریکا تلفونی اخطا گونه به مشرف رئیس جمهور پاکستان گفت: «بگوئید با ما هستنید یا باتروریستها؟»

اگر دولت امریکا با همان جدیت با پاکستان برخورد می کرد و بجای باج دهی و پرداخت میلیارد ها دالر، آن دولت را اقلأ تهدید به تعزیرات اقتصادی می نمود و از نظامی های پاکستانی می خواست که نباید در آن کشور پایگاه های تر بیت تروریست وجود داشته باشند و نباید امکانات و تجهیزات برای شان فراهم شود، مطمئناً در آنصورت ممکن نبود تروریست های ارجل میتوانستند علیه مردم افغانستان و نیروهای بین المللی به عملیات جنایتبار شان طی ادوازده سال ادامه دهند و سر انجام دولت امریکا برای نجات از زیربار مصارف کمرشکن سالانه بیش از یکصد میلیارد دالر و جلوگیری از تلفات بی حاصل سربازانش به این تجویز برسد که با پرداخت سالانه هشت، نه میلیارد دالر هر نوع فشار و خونریزی را به دوش دولت و مردم افغانستان حواله نماید.

بنابراین رئیس جمهور کرزی و مردم افغانستان چگونه راضی باشند که علاوه از آنچه گفته شد از دولت افغانستان خواسته شود که حق تاسیس نه پایگاه نظامی در خاک افغانستان که دارای بهترین موقعیت ستراتیژیک است به آن کشور داده شود تا با در اختیار داشتن آن در مقابل رقبای منطقوی و جهانی اش موضع قویتر خود را به نمایش گذارد.

بدینترتیب قابل فهم است که آقای کرزی به اظهار نظر امریکائی ها چندان باور ندارد، حق هم دارد زیرا به نوشته ای که از جانب رئیس جمهور او باما عنوانی رئیس جمهور کرزی فرستاده شده است، ضمن تذکر و اطمینان به اینکه عساکر امریکائی داخل خانه های افغان ها نخواهند شد ولی از حالات استثنائی هم در آن سخن رفته است، معلوم نیست که حالت های استثنائی را کدام طرف و چگونه تشخیص و تعیین میکنند؟.

خواننده محترم دقت فرماید که با ذکر کلمه حالات استثنائی امریکائی ها حق داخل شدن به خانه های افغان ها را برای عساکر خود محفوظ نگاه میدارند، لذا واضحست که در این صورت باز هم پس از خروج سربازان امریکائی و ائتلاف بین المللی حریم شخصی و حق حاکمیت ملی افغانستان نقض می شود.

آقای کرزی در ختم مجلس لویه جرگه اینراهم گفت که سند «امنیتی – دفاعی» را تا انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ امضا نخواهم کرد تا شرايطی را که مطرح نموده ام فراهم نشود. او گفت اینراهم گفت که باید در ظرف یک ماه صلح در افغانستان بوجود آید کلید صلح افغانستان اول در دست دولت امریکا و دوم در دست دولت پاکستان است.

در باره این اظهار نظر بسیاری از مخالفین کرزی تعجب کرده میگویند آخر در ظرف یک ماه چگونه ممکن است صلحی بوجود آید؟

خدمت شان به عرض رسانم که اگر امریکا اراده فشار بر پاکستان و هدف رسیدن به صلح در افغانستان را می داشت سال ها قبل ممکن بود جنگ و عملیات تروریستی در افغانستان پایان یابد و حال نیز اگر اراده در جهت رسیدن به صلح وجود نداشته باشد نه تنها در ظرف یک ماه بلکه طی گذشت دوازده سال دیگر هم امنیت و صلح در افغانستان برقرار نخواهد گردید. ۲۰۱۳/۱۱/۲۶

پایان

---

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ